

The Role of China's Foreign Aid in the Economic Rise of This Country in the Years 2000-2021

Said Mirtorabi*^{ID} | Arsalan Ghorbani Sheikhneshtin**^{ID} | Ali Monavari***^{ID} |
Omid Khazaei****^{ID}

Extended abstract

1-Preface

Over the past four decades, particularly between 1978 and 2015, China has experienced impressive and consistent economic growth, with an average annual growth rate of 9.8%. This remarkable economic expansion has catapulted China to the position of the second-largest economy in the world. Notably, China's poverty reduction program has been one of the swiftest and most successful in human history.

China has utilized various strategies to realize its goal of becoming a major economic power, with foreign aid playing a significant role in this endeavor. Today, China stands as the world's second-largest donor nation after the United States. In this context, China's foreign aid program has undergone substantial changes, both in terms of quantity and quality, especially since the start of the new millennium in 2000. These changes have garnered attention from the international community.

As part of its broader strategy to bolster and maximize its economic influence on a global scale, China has introduced and implemented a diverse array of foreign aid strategies and initiatives. This article aims to explore the relationship between the expansion of China's foreign aid programs and its ascent to economic power. Specifically, the research question revolves around how China's foreign aid program, spanning from 2000 to 2021, has influenced the country's rise as a major player in the international economy. The hypothesis suggests that during these years, China strategically employed foreign aid as a tool to align with its economic ascent, both in bilateral and multilateral contexts and in shaping the international order. This was achieved through the quantitative expansion of foreign aid and the application of innovative methods.

2- Research Methodology

This study employs precise indicators and the descriptive-explanatory method to illustrate how China leverages its foreign aid program to enhance its economic influence in the domains of bilateral and multilateral relations, as well as in shaping the international order.

3-Theoretical framework and discussion

This essay has aimed to provide a comprehensive account of the qualitative and quantitative aspects of China's foreign aid programs. It has also sought to elucidate the link between the expansion of China's foreign aid initiatives and its increasing global influence by utilizing indicators derived from the research's theoretical model.

To test the hypothesis, the realist approach to foreign aid was adopted as the theoretical framework. This perspective aligns foreign aid with the objectives of aid donors, who seek to enhance their influence through aid provision. In this context, China's aid programs are viewed as a means to

* Associate Professor of International Relation, Dept. of International Relation, Faculty of Law and Political Sciences, Kharazmi University, Tehran, Iran.

** Professor of International Relation, Dept. of International Relation, Faculty of Law and Political Sciences, Kharazmi University, Tehran, Iran.

*** Associate Professor of International Relation, Dept. of International Relation, Faculty of Law and Political Sciences, Kharazmi University, Tehran, Iran.

**** PhD Student of International Relation, Dept. of International Relation, Faculty of Law and Political Sciences, Kharazmi University, Tehran, Iran. (Corresponding Author), omidkhazaei888@gmail.com

expand its economic sway. Different definitions of aid were presented, highlighting China's distinctive definition as an emerging donor, which deviates from the traditional donor definitions. This definition, combined with the realist approach, served as the foundation for analysis, alongside the indicators outlined in Figure 1.

The indicators demonstrate that China is actively pursuing power expansion in both bilateral and multilateral relations and international order-related spheres. China provides bilateral and multilateral aid with the goals of fostering increased trade, mitigating unemployment, promoting international use of the Chinese currency, securing access to energy resources, and accessing the consumer markets of recipient countries.

In the realm of international order, China's aid efforts are geared toward establishing economic supply chains, creating institutions in the financial and commercial sectors, and advocating for its development model. These objectives are elucidated in Figure 2. This distinction represents an innovative aspect of the present research.

4-Conclusion

To substantiate the assertion and support the research hypothesis, the author furnished instances of both bilateral and multilateral objectives, as well as international order objectives. In contrast to China's self-proclaimed intentions, the empirical evidence presented in this thesis corroborates the conclusion that China's foreign aid is primarily directed towards bolstering its influence in the specified domains, rather than solely focusing on addressing the recipient's needs.

Keywords: China, Foreign aid, Global power, Economic goals.

Article Type: Research Article.



نقش کمک خارجی چین در خیزش اقتصادی این کشور در سال‌های ۲۰۲۱-۲۰۰۰

سعید میرترابی* | ارسلان قربانی شیخ‌نشین** | علی منوری*** | امید خزایی****

چکیده

کمک‌های خارجی از زمان تأسیس و ارائه، همواره بر مبنای اهداف مختلف به‌ویژه اهداف اقتصادی کشورهای ارائه‌کننده به کشورهای دریافت‌کننده، اهدا شده و این انگیزه‌ها، عموماً در پس اهدافی همچون اهداف بشردوستانه، کمک به رشد و توسعه داخلی دریافت‌کنندگان دنبال شده است. کشورهای مختلف با اهداف اقتصادی متفاوت، به اهدای این کمک‌ها اقدام کرده‌اند که از برخی تحت عنوان کمک‌کنندگان سستی و برخی دیگر تحت عنوان کمک‌کنندگان در حال ظهور یاد می‌شود که مهم‌ترین کشور گروه دوم چین است که با ارائه کمک‌های خود در سال‌های اخیر توجهات بسیاری را در سطوح مختلف دولتی، منطقه‌ای و بین‌المللی به کمک‌های خود جلب کرده است. در واقع کمک خارجی به‌عنوان ابزاری برای دستیابی کشورهای هر دو گروه اهداکنندگان به اهداف اقتصادی مد نظرشان در سطوح مختلف بوده که چین هم به‌عنوان یک اهداکننده در حال ظهور از این قضیه مستثنا نیست. پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی و تبیینی به بررسی چگونگی تأثیر برنامه کمک خارجی چین در سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۱ بر خیزش اقتصادی بین‌المللی آن می‌پردازد. براساس یافته‌های پژوهش، دولت چین در سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۱ از طریق گسترش کمی کمک‌های خارجی و توسل به روش‌های نوین در این حوزه، تلاش کرده تا از برنامه کمک خارجی خود به‌عنوان ابزاری در راستای خیزش اقتصادی منطقه‌ای و بین‌المللی خود استفاده کند. پژوهش حاضر بر مبنای شاخص‌هایی دقیق، چگونگی بهره‌گیری چین از برنامه کمک خارجی برای گسترش قدرت خود در حوزه اقتصادی در عرصه‌های روابط دو و چندجانبه و نظم بین‌المللی را نشان داده است.

کلیدواژه‌ها: چین، کمک خارجی، قدرت جهانی، اهداف اقتصادی.

نوع مقاله: پژوهشی.

- * دانشیار روابط بین‌الملل، گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.
** استاد روابط بین‌الملل، گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.
*** دانشیار روابط بین‌الملل، گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.
**** دانشجوی دکتری، گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.
(نویسنده مسئول)، omidkhazaii888@gmail.com

مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل، ۱۴۰۲، دوره ششم، شماره اول، ۲۸۹-۳۱۹.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۱۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۱/۳۰

ناشر: دانشگاه رازی

© نویسندگان



مقدمه

چین با تجربه رشد اقتصادی مثبت در چهار دهه گذشته به‌ویژه از سال ۱۹۷۸ تا ۲۰۱۵ با متوسط ۹/۸ درصد، به‌عنوان یک قدرت اقتصادی در حال ظهور پدیدار شده است و بر مبنای همین رشد در حوزه اقتصادی، به رتبه دوم اقتصاد جهان دست‌یافته و سریع‌ترین برنامه کاهش فقر در تاریخ بشر را نیز از آن خود کرده است. محققان در ارزیابی قدرت چین ادعا می‌کنند که چین به تدریج از یک قدرت منطقه‌ای به یک قدرت جهانی جدید تبدیل شده و به‌پشتوانه این قدرت، نهادسازی و تقویت حضور خود در نهادهای موجود منطقه‌ای و جهانی را آغاز کرده است.

چین در راستای دستیابی به هدف تبدیل‌شدن به یک قدرت عمده اقتصادی، از ابزارهای مختلفی استفاده کرده که یکی از این ابزارها کمک‌های خارجی بوده است. به‌گونه‌ای که چین امروز به دومین کشور بزرگ اهداکننده کمک‌های بین‌المللی پس از ایالات متحده تبدیل شده است (State Council, 2021). در عین حال، برنامه کمک‌های خارجی این کشور در طول زمان به‌لحاظ کمی و کیفی تغییراتی را تجربه کرده و از سال ۲۰۰۰ و در قرن جدید، این کمک‌ها به‌طرز چشم‌گیری افزایش یافته و توجه ناظران بین‌المللی را به خود جلب کرده است. رشد چشم‌گیر کمک‌های خارجی چین به یکی از برجسته‌ترین پیشرفت‌ها در حوزه کمک‌های بین‌المللی در سال‌های گذشته تبدیل شده و پیامدهایی را بر رژیم بین‌المللی اهدای کمک‌های خارجی برجا گذاشته است. این جنبه از تحول در جایگاه بین‌المللی چین نیز مانند دیگر عرصه‌ها، مناقشه‌هایی جدی را برانگیخته است.

به‌پشتوانه این رشد و افزایش توان مالی و درمقابل تلاش‌ها برای محدود کردن این کشور، چین برای تثبیت و به‌حداکثر رساندن قدرت اقتصادی خود در نظام جهانی تلاش‌هایی را صورت داده و استراتژی‌ها و طرح‌های مختلف کمک خارجی را ارائه و اجرا کرده است به‌نحوی که نقش فزاینده چین به‌عنوان یک بازیگر وام‌دهنده جهانی به موضوع بسیار مهمی تبدیل شده است.

بر همین مبنای، می‌توان گفت از دیرباز کمک خارجی به‌عنوان ابزاری برای پیش‌برد اهداف اقتصادی کشورها مطرح بوده و چین نیز از این قضیه مستثنا نیست. از سوی دیگر، باید توجه داشت که روند توسعه اقتصادی چین در مسیر خیزش صلح‌آمیز قدرت این

نقش کمک خارجی چین در خیزش... (سعید میرترابی، ارسلان قربانی شیخ‌نشین، علی منوری و امید خزایی) ۲۹۳

کشور طراحی و اجرا شده است، بنابراین می‌توان موضوع پیوند میان گسترش برنامه‌های کمک خارجی و خیزش قدرت چین را بررسی کرد. بر همین اساس، مقاله حاضر به دنبال پاسخ به این سؤال است که برنامه کمک خارجی چین در سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۱ چگونه بر مسیر خیزش اقتصادی بین‌المللی آن تأثیر گذاشته است؟

بر اساس یافته‌های پژوهش، دولت چین در سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۱ از طریق گسترش کمی کمک‌های خارجی و توسل به روش‌های نوین در این حوزه، تلاش کرده تا از برنامه کمک خارجی به عنوان ابزاری در راستای خیزش اقتصادی منطقه‌ای و بین‌المللی خود استفاده کند. پژوهش حاضر بر مبنای شاخص‌هایی دقیق، چگونگی بهره‌گیری چین از برنامه کمک خارجی برای گسترش قدرت خود در حوزه اقتصادی در عرصه‌های روابط دو و چندجانبه و نظم بین‌المللی را با بهره‌گیری از روش توصیفی - تبیینی به تصویر کشیده است. بر این اساس، جستار پیش رو، ضمن توصیف ماهیت و تنوع کیفی و کمی برنامه‌های کمک خارجی چین، کوشیده است رابطه میان گسترش برنامه کمک خارجی چین و خیزش قدرت آن را بر اساس شاخص‌هایی که بر مبنای الگوی نظری پژوهش به دست خواهد آمد، تبیین نماید.

پیشینه پژوهش

لازم به ذکر است ادبیاتی که در ارتباط مستقیم و کاملاً منطبق با موضوع این پژوهش باشد، در متون فارسی یافت نشده است. و موضوع کمک خارجی بسیار اندک مورد توجه و بررسی بوده است. با این حال در منابع انگلیسی، با توجه به حساسیتی که خیزش قدرت چین در عرصه بین‌المللی برانگیخته، به موضوع کمک خارجی این کشور نیز توجه شده است. در هر حال ادبیات موجود در این حوزه را می‌توان به دو دسته زیر تقسیم کرد:

۱- ادبیاتی که به بحث‌های کلی در زمینه ارائه کمک خارجی، ماهیت و روندهای آن در عرصه اقتصاد سیاسی و بین‌المللی پرداخته‌اند.

کوهن (۱۳۹۷) در کتاب «اقتصاد سیاسی جهانی» به‌طور کلی فصلی به بررسی روند کمک‌های بین‌المللی پرداخته و بحث را با کمک‌های خارجی ایالات متحده به اروپای غربی در قالب طرح مارشال آغاز کرده است و در ادامه انواع کمک، دلایل اهدای آن، موفقیت و

شکست برنامه کمک‌های خارجی را مورد بررسی قرار داده است.

لنکستر (Lancaster 2007) در کتاب «کمک خارجی: دیپلماسی، توسعه و سیاست داخلی»^۱ به اهداف دولت‌ها در ارائه کمک و اینکه چرا آن هدف‌ها را انتخاب می‌کنند اشاره می‌کند که مهم‌ترین هدف‌ها از اهدای کمک در راستای اهداف دیپلماتیک، ایجاد امنیت و دستیابی به منافع تجاری است.

پنکاج (Pankaj 2005) در مقاله «بازبینی کمک خارجی»^۲ موضوع کمک‌های خارجی را موضوعی مرتبط با اقتصاد سیاسی دانسته و کارآمدی و یا ناکارآمدی کمک‌های خارجی برای کشورهای دریافت‌کننده را بررسی می‌کند.

۲- ادبیاتی که به‌طور مشخص، موضوع کمک‌های خارجی چین را بررسی کرده است. میرترابی و ساری اصلانی (۱۳۹۹) در مقاله «تحولات اقتصاد سیاسی چین و افزایش سریع کمک‌های خارجی آن به آفریقا» توضیحاتی درخصوص کمک‌های خارجی چین و ارائه آن به طیف وسیعی از کشورها خصوصاً آفریقا را بررسی و پیامدهای این اقدام، انگیزه‌ها و علل آن را با توجه به انگیزه‌های پکن به‌عنوان کمک‌کننده و نیازهای جوامع آفریقایی را به‌عنوان دریافت‌کننده تبیین کرده است.

میرترابی (۱۳۹۹) در مقاله «چالش چین در برابر ایالات متحده؛ رقابت بر سر جایگاه و الگوی کمک خارجی» به حضور پررنگ چین در ارائه کمک‌های خارجی اشاره دارد و در ادامه به تأثیرگذاری این حضور بر جایگاه و الگوی ایالات متحده با توجه به رویکرد و الگوی متفاوت چین در ارائه کمک‌ها پرداخته و آن را عاملی برای ایجاد و افزایش رقابت بین این دو می‌داند.

نواک (Nowak, 2015) در مقاله «استراتژی کمک خارجی چین»^۳ تفاوت کمک‌های چین با سایر اهداکنندگان سنتی را بیان کرده و اینکه چین کمک‌های توسعه‌ای را سریع‌تر و با هزینه کمتر نسبت به اهداکنندگان سنتی ارائه می‌دهد. همچنین بیان می‌کند که برنامه کمک چین دربرگیرنده اهداف اقتصادی، دیپلماتیک و استراتژیک است؛ اما به تغییرات کیفی و تأثیر این کمک‌ها بر خیزش قدرت اقتصادی جهانی چین که در پژوهش حاضر به بررسی آن توجه

1. Foreign Aid: Diplomacy, Development, Domestic Politics

2. Revisiting Foreign Aid Theories

3. China's Development Aid Strategies

نقش کمک خارجی چین در خیزش ... (سعید میرترابی، ارسلان قربانی شیخ‌نشین، علی منوری و امید خزایی) ۲۹۵
شده است، اشاره نمی‌شود.

هیرونو (Hirono, 2018) در کتاب «بررسی پیوندهای بین سیاست خارجی چین و اقدامات بشردوستانه: منافع، فرآیندها و بازیگران متعدد» اهداف چین را در ارائه کمک‌های بشردوستانه بیان کرده و قدرت رو به رشد چین را درباره ماهیت منافع سیاست خارجی آن برانگیخته است؛ اما به ماهیت کمک‌ها، انواع و تکامل کمک‌ها و همچنین ابعاد مختلف دو و چندجانبه بودن کمک‌ها توجهی نشده است.
در هر حال، می‌توان نتیجه گرفت که سنجش رابطه میان برنامه کمک خارجی چین و خیزش قدرت بین‌المللی آن در حوزه‌ها و شاخص‌های مورد بررسی در این مقاله، از اساس کار بدیعی محسوب می‌گردد.

چارچوب نظری: کمک خارجی در قرائت واقع‌گرایانه

کمک خارجی اصطلاحی چندوجهی است که در زمینه‌های مختلف معانی متفاوتی را بیان می‌کند. برای مثال، کمک خارجی گاهی به معنای انتقال عمومی بین کشورها است در حالی که در موارد دیگر به ابزار سیاست خارجی و دستیابی به اهداف اقتصادی اشاره دارد. افزون بر این، اشکال مختلف کمک‌های خارجی نیز آن را شامل سطوحی از معانی می‌کند.
در معنای محدود این مفهوم، کمیته کمک به توسعه^۱ (DAC) وابسته به سازمان همکاری اقتصادی و توسعه^۲، کمک‌های رسمی توسعه را شامل کمک‌های بلاعوض یا وام‌های ارائه‌شده به کشورهای در حال توسعه تعریف کرده است که الف. توسط بخش رسمی انجام شود؛ ب. ارتقاء توسعه اقتصادی و رفاه، هدف اصلی آن باشد؛ ج. با امتیاز شرایط مالی در صورت وام، داشتن عنصر کمک مالی حداقل ۲۵ درصد همراه باشد. این تعریف شامل کمک‌های نظامی، کمک‌های فرهنگی و کمک به ارتقاء صادرات نمی‌شود. این تعریف به‌طور گسترده پذیرفته شده است (Lancaster, 2007: 11).

با توجه به موضوع پژوهش، تعریف چینی از کمک دارای اهمیت است. در حالی که چینی‌ها تعریف کمیته کمک به توسعه را رد نمی‌کنند، تعریف موسع‌تر از کمک را مد نظر

-
1. Exploring the links between Chinese foreign policy and humanitarian action Multiple interests, processes and actors
 2. Development Assistance Committee
 3. Organization for Economic Cooperation and Development

قرار می‌دهند زیرا معتقدند که حتی یک تعریف محدود از کمک‌های خارجی باید شامل کمک‌های توسعه، کمک‌های بشردوستانه اضطراری و کمک‌های نظامی و فرهنگی هم باشد. این امر، در مقاله آکادمیک لیو لیون، کارشناس سیاست کمک خارجی چین مشهود است که تعریف گسترده‌ای را که شامل کمک‌های توسعه نظامی، بشردوستانه و فرهنگی می‌شود را جزء مقوله کمک خارجی دسته‌بندی کرده است (liyun, 2005). چینی‌ها همچنین کمک‌های غیردولتی را نیز در تعریف خود از کمک‌ها مد نظر دارند.

پژوهش در مورد کمک‌های خارجی اهمیت نظری زیادی دارد. انگیزه‌های اهداکنندگان پیچیده است و کمک خارجی همواره ابهام‌هایی را برانگیخته است. مکاتب مختلف روابط بین‌الملل نیز توضیحات متفاوت و بعضاً رقیبی برای انگیزه‌های دولت‌ها در ارائه کمک مطرح کرده‌اند. واقع‌گرایان که در این تحقیق نیز ایده آن‌ها مد نظر قرار گرفته بر این باورند که کمک خارجی به صورت ابزاری است که اهداکنندگان از آن برای تقویت قدرت و امنیت خود استفاده می‌کنند (Pankaj, 2005:118-119). این ایده که کمک خارجی، دست‌کم یکی از ابزارهای عمده در خدمت اهداف سیاست خارجی کشورهای کمک‌دهنده است، مورد تأیید عموم صاحب‌نظران مسائل اقتصاد سیاسی بین‌الملل است (لارسون و اسکیدمور، ۱۳۸۳؛ بالام و وست، ۱۳۹۷؛ کوهن، ۱۳۹۲). در همین راستا، ایالات متحده کمک خارجی را عمدتاً با هدف تثبیت نظم جهانی و پیشبرد منافعش ارائه کرده است. این کمک‌ها، بخشی از راهبرد گسترده‌تر ایالات متحده در خلال جنگ سرد و در دوران جدیدتر بخشی از راهبرد کلان آن در مبارزه با تروریسم بوده است. (Kilby, 2018: 3)

با توجه به موضوع مقاله، اهداف اقتصادی‌ای که کشورهای اهداکننده از ارائه کمک پی می‌گیرند، در بررسی کمک‌های خارجی از سوی اهداکنندگان مشهود است؛ که آن را می‌توان در قالب اهداف اقتصادی مرتبط با روابط دو و چندجانبه و اهداف مرتبط با نظم منطقه‌ای و بین‌المللی تقسیم‌بندی کرد. در واقع الگوی نظری مقاله نیز در همین چارچوب با تکیه بر رویکرد واقع‌گرا، تلاش می‌کند حوزه‌ها و شاخص‌هایی را به شرح زیر برای پیوند زدن برنامه کمک خارجی و خیزش قدرت اقتصادی چین در عرصه بین‌المللی ارائه کند.

اهداف اقتصادی کمک خارجی

الف. اهداف مرتبط با روابط دو و چندجانبه

ارتقای روابط تجاری دوجانبه

دستیابی به اهداف و منافع تجاری و اقتصادی همواره یکی از مهم‌ترین انگیزه‌های ارائه کمک از سوی دولت‌ها بوده است. اهداف تجاری این کمک شامل گسترش صادرات یک کشور و تضمین دسترسی به واردات مواد خام مورد نیاز است، همان‌طور که به‌وضوح در مورد ژاپن و همچنین در میان دولت‌های اسکاندیناوی دیده می‌شود. تجربیات مربوط به رابطه کمک و تجارت نشان می‌دهد که کمک‌های خارجی جریان‌های تجاری دوجانبه بین کشورهای اهداکننده و دریافت‌کننده را ارتقا می‌دهد که اثرات آن در طول زمان متفاوت است، همچنین این پدیده، به منافع ملی اهداکننده بستگی دارد. به‌طور کلی این ایده مورد قبول است که جریان پیوسته کمک‌های خارجی، روابط اقتصادی دوجانبه گیرنده - اهداکننده را بهبود و به تسریع جریان‌های تجاری بین دو طرف کمک می‌کند (Pettersson & Johansson, 2013).

دستیابی به مواد خام و بازار مصرف کشورهای دریافت‌کننده

کمک‌ها را می‌توان به‌عنوان بخشی از طرح‌های اعتباری برای خرید کالا و خدمات از کشور اهداکننده مورد توجه قرار داد. استفاده از کمک‌ها برای گسترش صادرات یک کشور، پیوند دادن خرید کالاها و خدماتی است که از راه کمک‌ها تأمین می‌شود؛ یعنی خرید از کشور کمک‌کننده. بیشتر کشورهای کمک‌کننده در نیمه دوم قرن بیستم نوعی از این کمک را داشته‌اند.

استفاده از کمک برای مقاصد تجاری همچنین می‌تواند شامل کمک به تضمین واردات مورد نیاز، از راه حمایت از سرمایه‌گذاری در معادن و سایر مواد خام کشور دریافت‌کننده کمک باشد که سپس به کشور اهداکننده فروخته می‌شود. (Lancaster, 2007: 28)

ایجاد فرصت‌های سرمایه‌گذاری

کمک برای مقاصد تجاری می‌تواند برای کمک به فرصت‌های سرمایه‌گذاری در کشورهای فقیر استفاده شود یا مشروط به محافظت در برابر سلب مالکیت سرمایه‌گذاری‌های موجود توسط کشور اهداکننده باشد. سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های حمل و نقل، هزینه‌های

تجارت و مهاجرت را کاهش می‌دهد و دسترسی شرکت‌ها به بازارهای دورتر و افراد را برای رفت و آمد یا نقل مکان به مکان‌های کاری دورتر آسان‌تر می‌کند. در واقع، تحقیقات قبلی نشان می‌دهد که زیرساخت‌های پیوندی می‌توانند فعالیت‌های اقتصادی را به مناطق روستایی، دورافتاده و از نظر اقتصادی با پرورش توسعه بازارهای خارجی گسترش دهند و افزایش دسترسی به بازارهای بزرگ‌تر که در آن شرکت‌ها می‌توانند کالاها و خدمات خود را بفروشند فراهم نماید. (Donaldson, 2018)

ب. اهداف مرتبط با نظم اقتصادی بین‌المللی

ترویج الگوهای اقتصادی مطلوب خود

از اهداف بین‌المللی کشورهای اهداکننده به دریافت‌کنندگان ترویج الگوهای مورد نظر اقتصادی خود در کشورهای دریافت‌کننده است که این مورد را می‌توان در مورد کمک‌های اعطایی از سوی اهداکنندگان سنتی به وضوح دید که کمک‌های خود را مشروط به انجام اصلاحات مورد نظرشان در نظام اقتصادی کشورهای دریافت‌کننده کرده‌اند و تجلی این امر ایده موسوم به اجماع واشنگتن بوده است که بر مبنای سیاست‌های اقتصادی نئولیبرال و در راستای توسعه کشورهای در حال توسعه طرح‌ریزی شد.

این برنامه توصیه‌هایی از قبیل آزادسازی تجارت، خصوصی کردن شرکت‌های دولتی، کاهش یارانه‌های دولتی و... را ارائه می‌کرد و کشورها برای دریافت کمک، موظف به تبعیت و اجرایی کردن آن‌ها بودند؛ اما در سال‌های اخیر با ناکامی‌هایی که اجماع واشنگتن در راستای توسعه داشته ایده‌های دیگری در مقابل آن ارائه شده که هر کدام الگوهای خاص خود را به نوعی تبلیغ کرده‌اند که مهم‌ترین آن‌ها اجماع پکن است که با توجه به رشد اقتصادی چشم‌گیر چین و موفقیت آن در عرصه توسعه توانسته است به عنوان یک رقیب و جایگزین جدی برای اجماع واشنگتن مطرح شود. در واقع می‌توان گفت به مانند اهداکنندگان سنتی، چین نیز به نوعی تلاش کرده است ایده‌های توسعه‌ای مد نظر خود را در قالب اجماع پکن در ذیل برنامه‌های کمک خارجی خود بگنجانند.

نهادسازی در حوزه‌های مالی و تجاری

به‌طور کلی قدرت‌های بزرگ اقتصادی، در تلاش هستند ارزش‌های مورد نظر خود را در

نقش کمک خارجی چین در خیزش... (سعید میرترابی، ارسلان قربانی شیخ‌نشین، علی منوری و امید خزایی) ۲۹۹

قلب ایجاد نهادها و رویه‌های بین‌المللی، در سطح نظام بین‌المللی ترویج کنند و از آن راه، بخشی از قدرت خود را از طریق این نهادها اعمال کنند. این ایده‌ای است که سوزان استرنج از آن با عنوان قدرت ساختاری در عرصه اقتصاد سیاسی بین‌المللی یاد کرده است. از دیدگاه استرنج قدرت ساختاری، قدرت شکل‌دهی به ساختارهای اقتصاد سیاسی جهانی به‌نحوی که تعاملات دولت‌ها، نهادهای سیاسی آن‌ها، شرکت‌ها و دانشمندان‌شان با سایرین در درون این ساختارها صورت پذیرد (شریعتی‌نیا و توحیدی ۱۳۹۲، ۱۳۱). در حوزه کمک‌های بین‌المللی نیز همین رویکرد دنبال شده است. کشورهای اهداکننده کمک با ایجاد نهادهای مرتبط با کمک خارجی، چه به‌طور مستقیم و چه به‌طور غیر مستقیم به‌نوعی در جهت استیلا و برتری خود و ارزش‌ها و اصول اقتصادی خود گام برمی‌دارند که این امر هم درخصوص اهداکنندگان سنتی و هم اهداکنندگان نوظهور به‌ویژه چین مشهود است. هرکدام از این دو طیف با ایجاد نهادهای مورد نظر خود در پی ایجاد نوعی مرکزیت ارزش‌ها و اصول خود در حوزه‌های اقتصادی بین‌المللی و پیش‌برد تصمیمات اتخاذشده خود با توجه به توان تأثیرگذاری این نهادها هستند.

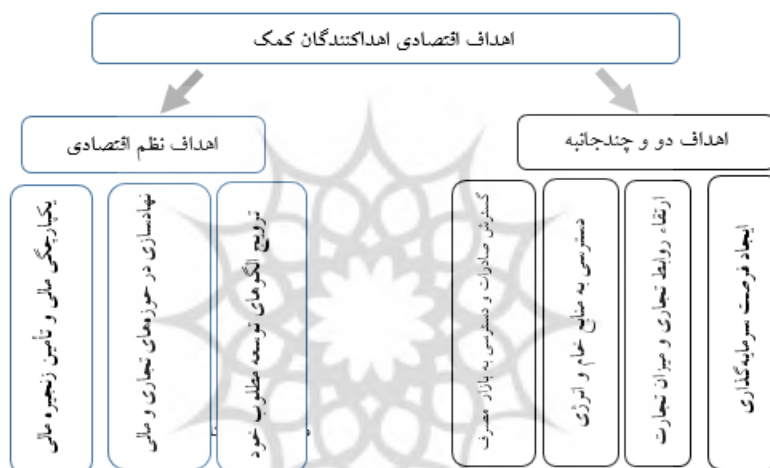
ایجاد یکپارچگی مالی و زنجیره تأمین مالی

از مهم‌ترین اهداف بین‌المللی اهداکنندگان کمک، ایجاد یکپارچگی مالی و زنجیره تأمین مالی است. اهداکنندگان با ایجاد کریدورهای مالی و تجاری از طریق اهدای کمک و تلاش برای فراهم کردن بستر توسعه در کشورهای دریافت‌کننده کمک، در پی افزایش ظرفیت‌ها و توان مبادله تجاری دریافت‌کنندگان کمک هستند تا از این راه بتوانند افزون بر موارد بالا، فرصت تجارت و میزان تجارت با دریافت‌کنندگان را افزایش و فرصت‌های سرمایه‌گذاری برای خود و شرکت‌هایشان را به‌منظور ایجاد یکپارچگی اقتصادی با محوریت اقتصاد خود فراهم کنند و زنجیره تأمین مالی مورد نظرشان را گسترش دهند.

اهداکنندگان سنتی با ارائه کمک‌های خود در قالب‌های تعریف‌شده در پی ایجاد یکپارچگی اقتصادی با محوریت اقتصاد نئولیبرال هستند و کمک‌های خود را در این سمت جهت‌دهی می‌کنند. درخصوص کمک‌کنندگان نوظهور نیز این امر صادق است، به‌ویژه در مورد چین که با ایجاد زیرساخت‌ها، نهادها و طرح‌های مختلف در پی ایجاد یکپارچگی

اقتصادی با محوریت چین و الگوی اقتصادی و توسعه‌ای چین است و این امر را به‌وضوح می‌توان در ابتکار کمربند و راه این کشور با ایجاد کریدورها و زیرساخت‌هایی با مبدأ و مقصد چین مشاهده کرد.

با توجه به بحث‌های بالا، می‌توان پیوندهای زیر را میان برنامه کمک خارجی و اهداف اقتصادی اهداکنندگان به‌ویژه چین که در بخش‌های بعدی توضیح داده می‌شود و منطبق با مدل استخراجی (شکل ۱) توسط نویسندگان است در حوزه روابط دو و چندجانبه و حوزه نظم اقتصادی بین‌المللی ارائه کرد.



شکل ۱. اهداف اقتصادی اهداکنندگان کمک

رویکرد چین نسبت به کمک‌های خارجی

کمک‌های خارجی بخشی جدایی‌ناپذیر از قدرت رو به رشد چین است. چین به‌عنوان یک قدرت در حال رشد، یک اهداکننده در حال ظهور است که تأثیر فزاینده‌ای بر رژیم کمک‌های بین‌المللی دارد. از آنجاکه چین، هنجارها و شیوه‌های متفاوتی دارد، اهداکنندگان سنتی، کشورهای دریافت‌کننده و پژوهشگران در مورد اهداف کمک چین کنجکاو هستند. برخی نگران‌اند که چین تمایلی به متحدشدن با اهداکنندگان سنتی ندارد و جایگزینی برای کمک‌های خارجی از سوی اهداکنندگان سنتی ارائه می‌کند، بنابراین رژیم کمک‌های سنتی را به چالش می‌کشد (Glosny, 2006: 25).

ایالات متحده سرسخت‌ترین منتقد کمک چین بوده است. هیلاری کلینتون، وزیر امور

نقش کمک خارجی چین در خیزش... (سعید میرترابی، ارسلان قربانی شیخ‌نشین، علی منوری و امید خزایی) ۳۰۱

خارجی سابق ایالات متحده، استدلال کرد که کمک‌های چین نگرانی‌های جدی را ایجاد کرده است. او همچنین به کشورهای در حال توسعه نسبت به همکاری با کمک‌کنندگان نوظهور مانند چین هشدار داد که این کشورها بیشتر به بهره‌برداری از منابع طبیعی علاقه‌مند هستند تا توسعه واقعی که هدف کشورهای دریافت‌کننده است (Ghosh, 2012).

روش‌های نوآورانه و کیفی در ارائه کمک

همگام شدن با زمان و توجه به اصلاحات و ابتکارات از مهم‌ترین نوآوری‌های کمک چین است. چین کمک‌های خارجی خود را با توسعه شرایط داخلی و بین‌المللی سازگار می‌کند تا به‌طور مداوم کار کمک خارجی خود را بهبود بخشد. از سال ۲۰۰۰، کمک‌های خارجی چین به‌طور قابل توجهی افزایش یافته است و آشکال کمک‌های خارجی چین نیز بسیار متنوع گردید (State Council, 2011: 22).

از دیگر نوآوری‌های چین، نهادسازی است. در حالی که بخش عمده‌ای از کمک‌های چین هنوز دوجانبه است، مشارکت‌های متنوع آن از سال ۲۰۱۳ مشخص شده است. صندوق کمک به همکاری جنوب-جنوب به‌عنوان یک نوآوری که توسط چین در سال ۲۰۱۵ تأسیس شد، مشارکت خود را با سازمان ملل متحد گسترش داد و تا پایان سال ۲۰۱۹ از ۸۲ پروژه، عمدتاً در فقرزدایی، کشاورزی و امنیت غذایی حمایت کرد (Mulakala & Ji, 2021: 4).

از دیگر نوآوری‌های کمک چین ایجاد بندهایی در قراردادهای کمک است که عمدتاً تحمیلی از سوی چین به دریافت‌کنندگان کمک است و عموماً در ارتباط با مخفی نگه‌داشتن اطلاعات مرتبط با قرارداد است؛ اما خود کمک‌گیرندگان هم نسبت به این بندها بی‌میل نیستند زیرا اولاً آن‌ها سعی می‌کنند استقراض دولت را از مردمی که با مالیات آن‌ها بازپرداخت‌ها انجام می‌گیرد، پنهان کنند. دوماً؛ این امر مانعی برای شفافیت مالی و بودجه‌ای دریافت‌کنندگان است که عموماً از کشورهایی هستند که شفافیت مالی در آن‌ها وجود ندارد، سوم، دریافت‌کنندگان می‌توانند وضعیت مالی واقعی دولت را از سایر طلبکاران پنهان کنند و این نوآوری عاملی برای جذابیت بیشتر کمک‌های چین شده است (Baviera & Strohecker, 2021).

گسترش ابعاد کمی و کیفی کمک

آنچه را که باید در خصوص میزان کمک‌های اعطایی چین در نظر گرفت ابهامی است که

این کمک‌ها به دلیل عدم شفافیت چین به همراه خود دارند. همان‌گونه که ذکر شد تعریف چین از کمک متفاوت از اهداکنندگان سنتی است و همراه با بندهایی است که میزان کمک‌ها را مخفی نموده و این بر ابهام این کمک‌ها افزوده است. میزان کمک‌های چین در سه سند سفید این کشور در سال‌های ۲۰۱۱، ۲۰۱۴ و ۲۰۲۱ انتشار یافته که این اسناد هم به ارائه دقیق میزان این کمک‌ها نپرداخته‌اند. تا پایان سال ۲۰۰۹، چین ۲۵۶,۳ میلیارد یوان (۳۷,۵ میلیارد دلار) به کشورهای خارجی کمک کرده بود. مقیاس این کمک‌ها از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۲ افزایش یافت و به ۸۹,۳ میلیارد یوان (۱۴,۴ میلیارد دلار) رسید و بین سال‌های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۸، کل مبلغ به ۲۷۰,۲ میلیارد یوان (معادل ۳۸,۸۷ میلیارد) رسیده است. (UNDP China, 2021: 12). که این میزان، چین را با توجه به نوظهور بودن آن بعد از آمریکا با توجه به میزان کمک‌های اهدایی آن در سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۸ (۵۹,۷۲۴ میلیون دلار) (OECD-DAC, 2022) در رتبه دوم جهان قرار می‌دهد.

برنامه کمک خارجی چین در ۲۰۱۲، ۱۲,۵ میلیارد دلار برآورد شده است که معادل ۰/۱۲ درصد از تولید ناخالص ملی این کشور در این سال بوده است. در صورتی که رقم یادشده بر مبنای درآمد سرانه ملی چین در نظر گرفته شود، می‌توان گفت چین امروز به یکی از بزرگ‌ترین و بخشنده‌ترین کمک‌دهندگان خارجی در سطح جهان تبدیل شده است (Li & Wang, 2014). در همین راستا بوده که برنامه کمک خارجی چین در فاصله سال‌های ۲۰۰۹ -

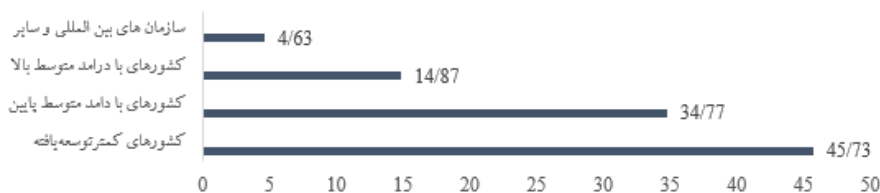
۲۰۰۴، هر سال ۳۰ درصد رشد کرده است (Brautigam & Xiaoyang, 2012: 205).



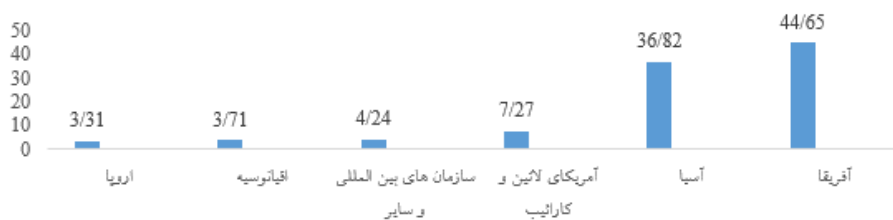
نمودار ۱. کمک خارجی چین در سه نوع آن^۱ (State Council, 2021)

۱. وام‌های امتیازی به وام‌هایی اطلاق می‌شود که دارای نرخ بهره (۲ تا ۳ درصد) پایین‌تر از بازار و بانک‌های داخلی و زمان بازپرداخت طولانی همراه با دوره مهلت یا استراحت که وام‌گیرنده در آن مدت ملزم به بازپرداخت وام نیست. این تفاوت نرخ بهره در چین عموماً از راه یارانه اعطایی از سوی دولت برای اگزیم بانک که به این امر مبادرت می‌کند، جبران می‌شود و از سوی دیگر این وام‌ها دارای مدت‌زمان بازپرداخت بین ۱۵ تا ۲۰ سال با ۵ تا ۷ سال مهلت یا استراحت پرداخت هستند.

نقش کمک خارجی چین در خیزش ... (سعید میرترابی، ارسلان قربانی شیخ‌نشین، علی منوری و امید خزایی) ۳۰۳



نمودار ۲. دریافت کنندگان کمک خارجی چین بر اساس گروه درآمدی (State Council, 2021)



نمودار ۳. میزان کمک های خارجی چین بر اساس منطقه (State Council, 2021)

همان گونه که در نمودارهای ۱، ۲ و ۳ مشخص است چین بیشترین میزان و درصد کمک های خود را به کشورهای مناطق در حال توسعه و با درآمد متوسط به پایین عرضه داشته است که سهم کمک های دوجانبه نیز کاملاً مشخص است که در این میان بسیار بیشتر از کمک های بین المللی و چندجانبه با میزان ۴,۲۴ درصد است که این امر نمودی از پیروی از اصول خود به ویژه اصل همکاری جنوب-جنوب است که جز جدایی ناپذیر کمک های چین است. در این بین، کشورهای آفریقایی با دریافت ۴۴/۶۵ درصد از میزان کمک ها بالاترین رتبه در میان دریافت کنندگان کمک از چین است. همچنین چین از سال ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۸، به ۲۰ سازمان چندجانبه منطقه ای و بین المللی و ۱۲۲ کشور در سراسر جهان؛ ۳۰ کشور در آسیا، ۵۳ در آفریقا، ۹ در اقیانوسیه، ۲۲ در آمریکای لاتین و دریای کارائیب و ۸ کشور در اروپا کمک کرد.

از سال ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۸، چین به ۱۲۴ کشور و منطقه، تعداد ۸۹۰ عدد تجهیزات مکانیکی، تجهیزات بازرسی، وسایل نقلیه حمل و نقل، دارو و تجهیزات پزشکی اهدا کرده است. چین همچنین ۴۱۴ پروژه را در ۹۵ کشور و منطقه که عمدتاً شامل تولید و مدیریت صنعتی، کاشت و اصلاح کشاورزی، فرهنگ و آموزش، ورزش و آموزش، مراقبت های پزشکی و بهداشتی، توسعه انرژی پاک و برنامه ریزی و مشاوره می شد، تکمیل کرد. همچنین چین بیش از ۷۰۰۰ جلسه آموزشی و سمینار برای مقامات خارجی و پرسنل فنی

۳۰۴ مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل، ۱۴۰۲، دوره ششم، شماره اول، ۲۸۹ - ۳۱۹

و برنامه‌های آموزش ضمن خدمت برگزار کرد که در مجموع حدود ۲۰۰۰۰۰ نفر را آموزش داد (State Council, 2021).

تیم‌های پزشکی تا پایان سال ۲۰۱۹، چین ۲۷۴۸۴ کارمند پزشکی را در ۱۰۶۹ گروه به ۷۲ کشور اعزام کرده است. در حال حاضر، نزدیک به ۱۰۰۰ کارمند پزشکی چینی در ۱۱۱ مرکز مراقبت‌های بهداشتی در ۵۵ کشور در سراسر جهان کمک می‌کنند و چین بیش از ۲۰۰۰۰ داوطلب جوان و معلمان داوطلب زبان چینی را برای کار در بیش از ۸۰ کشور در سراسر جهان اعزام کرد (State Council, 2021).



نمودار ۴. کمک‌های چین در بخش‌های مختلف ۲۰۱۳-۲۰۱۸ (State Council, 202)

کمک‌های خارجی و خیزش قدرت اقتصادی چین

از اواخر ۱۹۷۸، توسعه اقتصادی به اولویت اصلی سیاست ملی چین تبدیل شده است. حزب کمونیست چین در ازای حمایت عمومی از موقعیت مسلط خود، موظف به ارائه رشد اقتصادی مستمر است؛ بنابراین تلاش‌های قابل توجهی به بهبود روابط خارجی چین با سایر کشورها برای تسهیل همکاری‌های اقتصادی اختصاص یافته است و کمک‌های خارجی به‌عنوان ابزاری برای تقویت روابط خارجی چین در ازای دریافت منابع طبیعی بسیار مورد نیاز برای سوخت موتور اقتصادی و گسترش بازارهای کالاهای تولیدی و سرمایه‌گذاری ارائه شده است.

کمک‌های خارجی ابزاری برای پیشبرد اهداف اقتصادی در خارج از کشور است و از سال ۲۰۰۰، رهبری چین بر اهمیت استفاده از کمک خارجی برای حمایت از توسعه اقتصادی چین در دو دهه اول قرن بیست و یکم تأکید کرده است؛ که چین آن را دوره فرصت‌های استراتژیک نامید؛ بر همین مبنا چین از ارائه کمک‌های خارجی اهداف اقتصادی

نقش کمک خارجی چین در خیزش... (سعید میرترابی، ارسلان قربانی شیخ‌نشین، علی منوری و امید خزایی) ۳۰۵
مختلفی را به روش‌های متفاوت و متنوع در سطح دو و چندجانبه و ایجاد نظم منطقه‌ای و
بین‌المللی در جهت منافع اقتصادی خود دنبال می‌کند.

اهداف در حوزه دو و چندجانبه

گسترش تجارت و کمک به رشد اقتصادی

تداوم رشد اقتصادی یکی از مهم‌ترین دلایل ارائه کمک خارجی از سوی چین به سایر
کشورها به‌ویژه کشورهای در حال توسعه است. کمک از دو طریق می‌تواند جریان تجاری
بین چین و دریافت‌کنندگان کمک را افزایش دهد. اول، از طریق ایجاد زیرساخت‌ها و
کریدورهای ارتباطی به‌ویژه در قالب ابتکار کمربند و راه که تسهیل، تسریع و گسترش
جریان صادرات را برای چین به سایر مناطق فراهم می‌کند و همچنین با ایجاد راه‌ها و بنادر
و خطوط ارتباطی در کشورهای گیرنده ظرفیت تجارت و دسترسی به آن کشورها افزایش
می‌یابد که این امر در نهایت گسترش تجارت با آن کشور را برای چین ایجاد می‌کند؛ برای
نمونه چین برای تسریع روند ترخیص کالا از گمرک، تجهیزات بازرسی کانتینر را به بیش
از ۲۰ کشور از جمله گرجستان، ارمنستان، تانزانیا، کنیا و فیلیپین اهدا کرده است.

چین همچنین به خرید کشتی‌های کشتیرانی بنگلادش کمک کرده است، سه نفت‌کش و
سه کشتی فله‌بر را به شرکت کشتی‌رانی بنگلادش تحویل داده و در نتیجه به افزایش ظرفیت
حمل و نقل کلی آن کمک کرده است (State Council, 2021)؛ دوم، اینکه چین در مواردی
اعطای وام را منوط به این امر می‌داند که بخشی از آن را در جهت واردات کالا و مواد مورد
نیاز از خود چین هزینه کنند که این امر ابتدا افزایش تولید در داخل و سپس افزایش
تجارت در خارج را برای چین به همراه دارد. نمونه اهمیت گسترش تجارت و کمک به
رشد اقتصادی را از ارائه کمک چین در کشورهای جنوب شرقی آسیا برای چین می‌توان
مشاهده کرد.

چین بزرگ‌ترین شریک تجاری بسیاری از کشورهای آسیای جنوب شرقی است. طبق
گزارش سازمان تجارت جهانی (۲۰۱۹)، فیلیپین، اندونزی، مالزی، میانمار، ویتنام، کامبوج و
تایلند همگی از نظر حجم تجارت کالا، مقصد اصلی صادرات یا مبدأ واردات خود را از
چین داشتند و آسه‌آن برای اولین بار در سال ۲۰۲۰ با افزایش حجم تجارت به ۷۳۲ میلیارد

دلار آمریکا، یعنی ۷ درصد افزایش سالانه، به بلوک شماره یک تجاری چین تبدیل شد. بارزترین نمونه وابستگی چین به تجارت، مورد ویتنام و اندونزی است. براساس داده‌های آماری بانک جهانی (۲۰۱۷)، ویتنام بیش از صادرات به چین از چین وارد می‌کند و کسری تجاری ۲۳ میلیارد دلاری را در سال ۲۰۱۷ انباشته کرده است. به‌عنوان وسیله‌ای برای جبران چنین عدم تعادلی، چین وجوه کمکی جبرانی را برای سرمایه‌گذاری مازاد بر اقتصاد ویتنام ارائه کرد. اندونزی در وضعیت مشابهی قرار دارد، زیرا صادرات اندونزی توسط کالاهای ارزانی که از چین وارد می‌شد با آغاز قرارداد آزاد تجاری چین و آسه‌آن در سال ۲۰۰۹ کاهش یافت. دو کشور توافق‌نامه‌ای را برای جبران کسری تجاری در برابر چین امضا کردند و متعهد شدند تقریباً ۲ میلیارد دلار اعتبار خریدار صادراتی را جبران کنند (Kim, 2021: 19). این موارد نشان می‌دهد که چین از طریق این کمک‌ها روابط تجاری خود را با این کشورها گسترش داده و این گسترش همراه با نوعی تسلط و برتری در تجارت با این کشورها همراه بوده که صادرات چین به این کشورها را افزایش و در نتیجه رشد اقتصادی را برای چین به همراه داشته است.

گسترش سرمایه‌گذاری خارجی و بین‌المللی‌سازی شرکت‌های چینی

دولت چین مجموعه‌ای از سیاست‌های ترجیحی را برای ایجاد یک محیط بین‌المللی مناسب برای خروج شرکت‌های چینی ایجاد کرده است و دولت چین استراتژی‌های بیرون‌رفتن و ابتکار کمربند و راه را برای ارتقای فعالیت‌های بین‌المللی راه‌اندازی کرده است. دولت پیشنهاد کرد که شرکت‌های چندملیتی چینی به‌عنوان یکی از استراتژی ملی جدید از سال ۲۰۰۰ به سمت خارج فعالیت کنند و دولت چین تصمیم گرفت از این شرکت‌ها حمایت کند. سیاست‌های ترویج سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و ارائه کمک‌ها که توسط دولت چین انجام می‌شود، از نظر اقتصادی ضروری و مکملی برای توانمندتر کردن شرکت‌های چندملیتی چین در رقابت‌های اقتصاد جهانی است؛ بنابراین، چنین سیاست‌های کلان سودآور و مشوق‌های نهادی را به‌طور قابل توجهی برای روند بین‌المللی‌سازی شرکت‌های چینی ارتقا می‌دهد. (Du, Mitkova & Wang, 2020: 2575)

کمک‌های خارجی چین دسترسی و عملیات شرکت‌های دولتی چین در مناطق مختلف

نقش کمک خارجی چین در خیزش... (سعید میرترابی، ارسالن قربانی شیخ‌نشین، علی منوری و امید خزایی) ۳۰۷

را تسهیل و به آن‌ها اجازه می‌دهد بر وضعیت دیرآمد خود در این مناطق در مقابل همتایان غربی غلبه کنند. نمونه این امر شرکت چینی (China State Hualong Construction) با حضور مشهود در بخش ساخت‌وساز غنا مجتمع سالن برمه را در کمپ برمه ساخته است که این شرکت از سوی چین کمک مالی ۱/۲ میلیون دلاری را دریافت نموده است. این مورد در خصوص زامبیا هم به کار رفته است. برای این منظور، جریان کمک‌های چین به کشورهای مختلف تمایل به ادغام استراتژیک با پروژه‌های سرمایه‌گذاری انجام‌شده توسط شرکت‌های بزرگ دولتی چین را دارد؛ که این امر را می‌توان در مورد حضور شرکت‌های چین در کشورهای آفریقایی دید.

محرك اصلی علاقه چین به آفریقا تأمین امنیت دارایی‌های مرتبط با انرژی و منابع است. به‌منظور محافظت در برابر افزایش فوری قیمت منابع و کمبود عرضه طولانی‌مدت آن‌ها، دولت چین شرکت‌های خود را تشویق کرده است تا طیف گسترده‌ای از دارایی‌های مرتبط با تأمین این منابع را تضمین کنند. سیاست کمکی دولت چین، نقش مهمی در حمایت از این شرکت‌ها که عمدتاً دولتی هستند در پیشی گرفتن از شرکت‌های خارجی در تأمین این دارایی‌های منابع دارد. برای مثال، در زامبیا، موقعیت دولت چین به‌عنوان یک اهداکننده برجسته به شرکت‌های دولتی بزرگ و شرکت‌های کوچک و متوسط چینی کمک کرده است تا فرصت‌های دسترسی به بازار خود را گسترش دهند (Davis, Edinger, Tay & Naido, 2008:5).

واضح است که کمک‌ها، به‌طور عمده در قالب وام‌های امتیازی و همچنین تأمین مالی تجاری، به‌عنوان بستری برای شرکت‌های عمدتاً هم‌سو با دولت چین برای ایجاد جای پای در خارج عمل می‌کند. (Davis, Edinger, Tay & Naido, 2008: 52)

دسترسی به انرژی، مواد خام و معدنی

یکی از محرك‌های اصلی تخصیص کمک چین، مبادله منابع طبیعی است. دستیابی به انرژی و دارایی‌های منابع برای کاهش خطرات افزایش قیمت انرژی و کمبود درازمدت تأمین انرژی برای چین دارای اهمیت حیاتی است زیرا همراه با رشد سریع اقتصادی، نیاز کشور به منابع انرژی برای تولید، انگیزه کمک از سوی چین را افزایش داده و چین اکنون با سهم

۱۹ درصدی از کل انرژی جهان، بزرگ‌ترین مصرف‌کننده انرژی در جهان است. (Lengauer, 2011: 45) همچنین دوسوم نفت چین از خاورمیانه وارد می‌شود. این وابستگی به نفت خاورمیانه، چین را در وضعیت نامطلوبی قرار می‌دهد و پکن جستجو برای تأمین‌کنندگان جدید نفت را آغاز کرده است که بیشتر آن‌ها در آسیای مرکزی، آمریکای لاتین و آفریقا یافت شده‌اند که این امر در آفریقا مشهودتر بوده است (Lancaster, 2007) و از این مدل با عنوان مدل آنگولا یاد می‌کنند که به رویکرد مورد علاقه چین در آفریقا تبدیل شده است؛ و از منابع به عنوان وثیقه برای بازپرداخت وام استفاده می‌کند.

براساس گزارش سرمایه‌گذاری آفریقا در سال ۲۰۱۶، بخش زغال سنگ، نفت و گاز طبیعی با ۱۵/۷ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری و ۲۴ درصد از کل سهام سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، به عنوان برترین بخش برای سرمایه‌گذاری سرمایه چین در سال ۲۰۱۵ قرار گرفت. بخش انرژی جایگزین و تجدیدپذیر با ۱۲/۲ میلیارد دلار و ۱۸ درصد از سهام سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی چین به عنوان دومین بخش بزرگ سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی چین در رتبه دوم قرار گرفت. (Guillon & Mathonnat, 2020: 5)

تأمین امنیت انرژی در کمک چین به کشورهای آسیای مرکزی نیز مشهود است. برای نمونه یکی از پروژه‌های زیربنایی بزرگ در آسیای مرکزی که عمدتاً با کمک مالی چین اجرا می‌شود، خط لوله گاز ترکمنستان - چین است که از قزاقستان و ازبکستان عبور می‌کند. چین همچنین یک خط لوله نفتی به قزاقستان ساخت که میدین نفتی خود را از طریق گذرگاه آلاشان به شمال شرقی سین کیانگ متصل می‌کند. افزون بر این، دولت چین ۶۰۰ میلیون دلار وام برای ساخت خط لوله گازی که منابع گاز ازبکستان را به خط لوله گاز قزاقستان - چین متصل می‌کند، ارائه کرد. (Öğütçü & Ma, 2007: 44)

دسترسی به بازارهای مصرف

دستیابی به بازارهای مصرف برای کالاهای چینی یکی دیگر از اهداف مهم چین از ارائه کمک است. افزون بر دستیابی به منابع و ایجاد بازارهای جدید، کمک به آفریقا، آمریکای لاتین و آسیای مرکزی در راستای این اهداف عمل کرده‌اند. نمونه این امر در غنا با سرمایه‌گذاری در سیستم‌های جاده و راه‌آهن مانند تازارا برای دسترسی به بازار محصولات

نقش کمک خارجی چین در خیزش ... (سعید میرترابی، ارسلان قربانی شیخ‌نشین، علی منوری و امید خزایی) ۳۰۹

چینی از اهمیت راهبردی برخوردار است. همچنین شبکه حمل و نقل کارآمدی را در اختیار چین قرار می‌دهد که مرزهای صادرات خود را گسترش می‌دهد. علاوه بر این، سرمایه‌گذاری مرتبط در زیرساخت‌های مخابراتی، سیستم‌های برق‌آبی و پروژه‌های آبیاری، به همراه شبکه‌های تأمین و توزیع، در مناطق مختلف می‌تواند تأثیر قابل توجهی در کاهش هزینه‌های تولید و حمل و نقل محصولات و دسترسی راحت‌تر به بازارهای مصرف را برای چین داشته باشد. (Lengauer, 2011: 45)

معیار اصلی برای وام‌های امتیازی این است که شرکت‌های چینی باید به عنوان پیمانکار/صادرکننده انتخاب شوند و تجهیزات، مواد، فناوری یا خدمات مورد نیاز برای پروژه باید از چین بیش از سایر کشورها (حداقل ۵۰ درصد) تهیه شود. (Davis 2008, 53-54) این شرط، بازار مصرف برای کالاها و خدمات چین را توسعه می‌دهد که این امر در آفریقا کاملاً مشهود است به نحوی که ارزش کل حجم تجارت چین و آفریقا در سال ۲۰۰۰ فقط ۸/۹ میلیارد دلار بود که در سال ۲۰۰۹ به ۷۰/۴ میلیارد دلار رسید که از ارزش تجارت ایالات متحده و آفریقا (۶۲ میلیارد دلار) پیشی گرفت. حجم تجارت چین و آفریقا در سال ۲۰۲۱ به ۲۵۴/۳ میلیارد دلار رسید که بیش از بیست و هشت برابر سطح سال ۲۰۰۰ است. (NDRC, 2022)

در راستای ورود به بازارهای مصرف جدید آسیای مرکزی هم مورد توجه ویژه چین است. چین جاده‌ای در تاجیکستان برای بهبود دسترسی‌اش به بازارهای محلی و باز کردن مسیرهای ترانزیتی جدید به خاورمیانه و اروپا ساخته است. این تحول با سوءظن برخی از مقامات دولتی آسیای مرکزی روبه‌رو می‌شود. مقامات قزاقستان ادعا می‌کنند که چین در حال استخراج مواد خام و پر کردن بازارهای محلی با محصولات ارزان است که مانع توسعه اقتصادی محلی می‌شود. آن‌ها چین را متهم می‌کنند که علاقه‌ای به تقویت تولید محلی ندارد (Brautigam & Xiaoyang, 2012: 813) و با هدف دستیابی به بازارهای مصرف دریافت‌کنندگان برای کالاهای خود اقدام به ایجاد کردیدورها و مسیرهای ارتباطی می‌نماید.

بین‌المللی کردن واحد پول چین

از مهم‌ترین تأثیرات کمک‌های خارجی چین به سایر کشورها با توجه به اقتصاد رشد یافته

این کشور، کمک به بین‌المللی شدن رنمینی است. برای چین، افزایش استفاده خارجی از رنمینی کاهش ریسک نرخ ارزی بنگاه‌ها و خانوارها، ارتقای یکپارچگی اقتصادی در سطح منطقه و ثبات مالی جهانی را به همراه دارد. برای مثال قراردادهای سوآپ دوجانبه، به افزایش جریان تجاری دوجانبه بین چین و شرکای تجاری آن کمک کرده است. بین‌المللی‌سازی رنمینی به آسیب‌پذیری کمتر نرخ ارز در برابر شوک‌های تجاری و به ارتقاء ثبات سیستم پولی بین‌المللی کمک می‌کند (United Nations-ESCAP, 2019: 29).

با توسعه سریع تجارت و کمک خارجی چین، حجم گردش رنمینی در کشورهای همسایه چین به‌طور قابل توجهی افزایش یافته است. در مغولستان، ۶۰ درصد پول نقد در گردش محلی به رنمینی است. در برخی از بازارهای اصلی ارز در پایتخت مغولستان، رنمینی و دلار آمریکا دو ارز خارجی هستند که بیشترین میزان مبادلات را دارند. در ویتنام، رنمینی را می‌توان از طریق بانکداری غیررسمی مبادله کرد که مشروعیت آن توسط دولت ویتنام تأیید شده است (Gao & Yu, 2011: 109).

با نگاه به آینده، عوامل مختلفی از چشم‌انداز بین‌المللی شدن بیشتر رنمینی حمایت می‌کنند. نخست، چندین طرح حمایتی اخیراً اجرا شده است. یک مثال ارتباط قرضه (Bond Connect) است که در ژوئیه ۲۰۱۷ راه‌اندازی شد و به سرمایه‌گذاران چین و سایر کشورها اجازه می‌دهد تا در بازارهای اوراق قرضه یکدیگر تجارت کنند. در این راستا، اقدامات سیاستی با هدف ارتقاء بین‌المللی‌سازی رنمینی که کمک خارجی یکی از این سیاست‌های اجرایی است می‌تواند در سه مورد بر بین‌المللی شدن رنمینی تأثیرگذار باشد.

الف: افزایش فرصت‌های استفاده از رنمینی در اقتصاد جهانی از طریق ارائه کمک‌های خارجی از سوی چین به سایر کشورها و آزادسازی بیشتر تجارت و سرمایه‌گذاری؛ ب: بهبود سهولت استفاده از رنمینی از طریق توسعه بیشتر بازار مالی و ج: تقویت اعتماد در استفاده از رنمینی از طریق ارائه کمک و تداوم رشد اقتصادی. در همین حال، کمک خارجی و وام‌های اعطایی چین که در قالب‌ها مختلف صورت می‌پذیرد عامل مهمی است که به بین‌المللی شدن رنمینی کمک می‌کند و این امر در افزایش مورد انتظار در مبادلات تجاری و مالی بین چین و سایر کشورها که تا حدی توسط طرح کمربند و راه تقویت شده است مشهود است (United Nations-ESCAP, 2019: 29).

نقش کمک خارجی چین در خیزش... (سعید میرترابی، ارسلان قربانی شیخ‌نشین، علی منوری و امید خزایی) ۳۱۱

افزایش اشتغال و کمک به ثبات داخلی

حفظ ثبات داخلی هدف مهم دیگر کمک‌های خارجی چین است. برای مثال، در مورد واکنش دولت چین به بحران مالی ۲۰۰۸-۲۰۰۹ نرخ بیکاری افزایش یافت و چین بی‌ثباتی اقتصادی و اجتماعی بیشتری را تجربه کرد. کاهش دستمزدها برای حل این بحران باعث ناآرامی بیشتر کارگران شد و دولت چاره را در ارائه کمک خارجی دید. در سال ۲۰۰۹، این ایده پیشنهاد شد که چین یک برنامه کمک خارجی ۵۰۰ میلیارد دلاری را براساس روح طرح مارشال اجرا کند زیرا کمک‌های مالی خرید کالاهای چینی توسط کشورهای در حال توسعه را افزایش می‌دهد و در نتیجه اقتصاد صادرات‌محور و اشتغال کارگران در چین را تقویت می‌کند (Cooper, 2016).

دولت چین اشتغال پایدار کارگران چینی را شرط کلیدی برای ثبات اجتماعی داخلی و از اهداف اصلی سیاست خود می‌داند. پروژه‌های کمک‌های خارجی به‌طور بالقوه مکمل یا جایگزینی برای این اقدامات با هدف رسیدگی به ناآرامی‌ها ارائه می‌دهند: از این‌رو، از دیدگاه دولت چین، بازده خالص کمک‌رسانی ممکن است برابر یا حتی بیشتر از بازده خالص سایر اقدامات مستقیم‌تر با هدف تضمین ثبات داخلی باشد. شرکت‌های دولتی مرکزی اهداف دولت چین را درونی می‌کنند و پروژه‌های کمک خارجی را در پاسخ به ناآرامی‌های داخلی اجرا می‌کنند. پروژه‌های کمک تقاضای نامتعارفی برای کالاها و نیروی کار چینی ایجاد می‌کنند و به شرکت‌های چینی اجازه می‌دهند از نیروی کار مازاد خود استفاده کنند. در مجموع دولت مرکزی چین از طریق شرکت‌های خود از کمک‌های خارجی برای ایجاد اشتغال برای کارگران چینی در پاسخ به ناآرامی‌های داخلی استفاده می‌کند (Radelet, 2005).

حوزه نظم اقتصادی بین‌الملل

ایجاد زنجیره تأمین پیرامونی با محوریت اقتصاد چین در چارچوب پروژه کمربند و راه چین ابتکار کمربند و راه و کریدورهای ارتباطی آن را ابزاری برای ایجاد زنجیره تأمین پیرامونی خود می‌داند. گسترش کریدورهای تجاری از طریق این ابتکار، دستیابی به بازارهای جدید را برای شرکت‌های چندملیتی بزرگ و همچنین شرکت‌های کوچک و

متوسط چین آسان‌تر می‌کند. افزون بر گسترش دامنه تجارت سنتی، تجارت جدید در خدمات و تجارت الکترونیک فرامرزی ایجاد خواهد شد. چین تخمین زده است که باز کردن کریدورها و رشد اقتصادهای دیجیتال تجارت سالانه در امتداد کمربند و راه را در دهه آینده به بیش از ۲/۵ تریلیون دلار خواهد رساند (United Nations-ESCAP, 2019: 27). درحالی‌که سرمایه‌گذاری زیرساختی، عنصر کلیدی کمربند و راه است، چین اهداف آن را گسترده‌تر می‌داند و تمام جنبه‌های رشد پایدار را در برمی‌گیرد و شامل رشد متعادل‌تر منطقه‌ای، ارتقاء صنعت و رشد اقتصادی بیشتر در داخل چین می‌شود (OECD, 2018: 9).

برای افزایش تجارت و سرمایه‌گذاری در کمربند و راه چین مکانیسم‌های همکاری دو و چندجانبه ابتکار کمربند و راه را با تمرکز بر سیاست‌گذاری ارتباطات، اتصال زیرساخت‌ها، تسهیل تجارت، جریان سرمایه و مبادلات مردم با مردم با محوریت چین و مناطق آزاد تجاری در امتداد این طرح را ایجاد کرده است. چین تلاش‌ها برای اجرای استراتژی منطقه آزاد تجاری را تسریع و به تدریج شبکه‌ای از مناطق تجاری آزاد با استاندارد بالا را ایجاد و فعالانه در مذاکرات با کشورهای که در مسیر ابتکار کمربند و راه برای ایجاد مناطق آزاد تجاری قرار دارند، شرکت می‌کند.

از دیگر سو، در راستای این ابتکار و در جهت کسب رهبریت اقتصادی، چین در خصوص تقویت زیرساخت‌های حمل و نقل در کریدورهای کمربند و راه اقدام کرد و توسعه حمل و نقل چندوجهی را که بزرگراه‌ها، راه‌آهن‌ها، آبراه‌ها و راه‌های هوایی را ادغام می‌کند، ایجاد معابر لجستیکی بین‌المللی و تقویت توسعه زیرساخت‌ها در مسیرها و بنادر اصلی را پیش می‌برد. ابتکار کمربند و راه چین نشان‌دهنده یک استراتژی بزرگ توسط چین برای تأمین مالی زیرساخت‌ها در سراسر آسیا، اروپا، آفریقا و فراتر از آن است. در صورت موفقیت، ابتکارات اقتصادی، چین می‌تواند به‌طور قابل توجهی بازارهای صادرات و سرمایه‌گذاری را برای چین گسترش و قدرت آن را در سطح جهانی افزایش دهد (OECD, 2018: 10).

نهادسازی در حوزه‌های مالی و تجاری

از اهداف بسیار مهمی که چین در دهه‌های اخیر همراه با رشد اقتصادی خود پیگیری کرده،

نقش کمک خارجی چین در خیزش... (سعید میرترابی، ارسلان قربانی شیخ‌نشین، علی منوری و امید خزایی) ۳۱۳

ایجاد نهادهای مختلف در سطح منطقه و جهان بوده که بتواند از طریق آن‌ها روابط اقتصادی و مالی خود را با دیگر کشورها و سازمان‌ها تقویت و تداوم رشد مالی و تجاری خود را تثبیت نماید. برای دهه‌ها، ایالات متحده از نفوذ غالب خود در بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول به عنوان نهادهای اهداکننده فاقد جایگزین برای تقویت روابط با کشورهای دیگر در غرب استفاده کرده و با مشروط کردن کمک‌ها به اصلاحات مورد حمایت ایالات متحده، کشورهای در حال توسعه را به سمت لیبرال‌دموکراسی هدایت کرده است؛ اما با ظهور چین به عنوان یک قدرت اقتصادی این شرایط تغییر و فرصت برای انتخاب سیستم دریافت کمک جایگزین فراهم شد. از جولای ۲۰۱۵، بیش از ۵۰ کشور تصمیم گرفتند به بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا^۱ به رهبری چین بپیوندند. پکن حدود ۳۰ درصد از سهام این مؤسسه جدید را در اختیار دارد و با ارائه وام به کشورهای در حال توسعه در آسیا، دامنه مالی چین را گسترش و اهرم مذاکره ایالات متحده را به حداقل می‌رساند (Li, 2015: 129).

اراده رو به رشد چین برای شکل دادن به سیاست‌ها و نهادهای توسعه بین‌المللی نیز در مشارکت آن‌ها در مؤسسات مالی توسعه سنتی، مانند بانک جهانی و بانک توسعه آفریقا^۲ و در ظهور بانک‌های توسعه چندجانبه جدید، به ویژه بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیایی و بانک توسعه جدید بریکس که در آن صدای چین وزن بسیار بیشتری نسبت به بانک‌های توسعه‌ای مستقر مانند بانک جهانی یا بانک توسعه آفریقا دارد، منعکس شده است. به عنوان بخشی از یک استراتژی دیپلماتیک بلندپروازانه‌تر تحت چارچوب ابتکار کمربند و راه، چین همچنین ایجاد مجموعه‌ای از صندوق‌های توسعه منطقه‌ای، از جمله صندوق راه ابریشم، صندوق توسعه چین - آفریقا و صندوق همکاری چین و آمریکای لاتین که همه توسط اگزیم‌بانک تأمین مالی می‌شوند را راه‌اندازی کرده است (Lang, 2019:17).

در سطح آخرین تحولات در زمینه نهادسازی ایجاد آژانس همکاری‌های توسعه بین‌المللی چین CIDCA^۳ نشان‌دهنده تغییر اساسی در سیاست کمک‌های خارجی چین است CIDCA به عنوان ابزار مهمی برای دیپلماسی چین و ابتکار کمربند و راه تحت رهبری چین

-
1. Asian Infrastructure Investment Bank
 2. African Development Bank
 3. China International Development Cooperation Agency

معرفی شد و به‌عنوان یک آرژانس هماهنگ‌کننده با هدف ارتقاء اهداف بلندمدت استراتژیک به‌بهای منافع بخشی، با وظیفه عظیم کاهش همپوشانی‌ها و درگیری‌ها بین ۳۳ نهاد مختلف دولتی به علاوه شرکت‌های پیمانکاری متعدد درگیر در کمک‌های خارجی چین، عمل می‌کند (Lang, 2019: 23).

ترویج الگوی توسعه‌ای ویژه چین در قالب اجماع پکن

اجماع واشنگتن که در سال ۱۹۹۰ پایه‌گذاری شد بر مبنای سیاست‌های اقتصادی نئولیبرال بود که در راستای توسعه کشورهای در حال توسعه طرح‌ریزی شد و توصیه‌هایی از قبیل آزادسازی تجارت، لیبرالیسم؛ خصوصی‌کردن شرکت‌های دولتی و... ارائه کرد که به‌وسیله مؤسسات جهانی از جمله صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی پیگیری می‌شد؛ اما عدم موفقیت این توصیه‌ها و وقوع بحران‌های مالی انتقادهایی را به این اجماع وارد کرد و درمقابل آن، اجماع‌های مختلفی برای برون‌رفت از مسئله ایجاد شد که مهم‌ترین آن‌ها اجماع پکن بود.

در سال ۲۰۰۴ این اجماع ایجاد شد و در پی این بود که چگونه کشورهای فقیر و در حال توسعه می‌توانند در اقتصاد جهانی جای مناسب خود را بیابند و این بر مسیر توسعه چین تأکید کرد و دارای سه توصیه مهم بود اول، آزمون و نوآوری دائمی و پایدار؛ دوم، کیفیت زندگی به‌عنوان یک موضوع مهم برای توسعه و سوم، به مفهوم سیاسی حق تعیین سرنوشت بازمی‌گردد که به‌معنای دور شدن از الگوها و توصیه‌های دیکته‌شده از طرف بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول است؛ و از سوی دیگر نوعی مقابله با هژمونی و برتری امریکا است که از همین جهت مورد توجه و قبول کشورهای جهان سوم و در حال توسعه هم قرار گرفته است (Vadell et al., 2014: 90).

اجماع پکن به‌عنوان یک مفهوم برای نشان‌دادن این است که تجربه موفقیت‌آمیز توسعه اقتصادی چین در سه دهه گذشته جایگزینی برای سیاست‌های ارائه‌شده توسط غرب از طریق صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و اجماع واشنگتن به کشورهای در حال توسعه است. اجماع پکن برای آشکار کردن سیاست‌های توسعه اقتصادی به سبک چینی مفهوم‌سازی شده است و اینکه چگونه جایگاه چین در اقتصاد سیاسی بین‌المللی با تغییر

نقش کمک خارجی چین در خیزش ... (سعید میرترابی، ارسلان قربانی شیخ‌نشین، علی منوری و امید خزایی) ۳۱۵
 پویایی های توسعه جهانی، مسیرهای توسعه اقتصادی کشورهای در حال توسعه را تحت
 تأثیر و آن را تغییر می دهد (Yagci, 2016: 30).

درواقع اجماع پکن مدل ویژه توسعه پیشنهادی چین است که دارای اجزای ضد
 هژمونی است و به کشورهای آمریکای لاتین، آفریقا و آسیا توصیه می کند که مسیر
 توسعه ای خود را طی کنند. اجماع پکن یک قدرت شبکه جدید بین چین و برخی مناطق
 کمتر توسعه یافته، به ویژه آفریقا و آمریکای لاتین را تشکیل می دهد. این مفهوم با هدف
 تبیین نوعی رابطه قدرت تحمیل شده توسط تغییرات اقتصادی جهانی، گسترش و رشد
 اقتصاد چین و ویژگی های خاص مدل اقتصادی چین است که با وام ها و کمک های
 متفاوتی که نسبت به اجماع واشنگتن ارائه می دهد باعث فرسایش و زوال کمک های
 مشروط آن ها به کشورهای در حال توسعه شده است. ویژگی های اصلی اجماع پکن تمرکز
 بر نوآوری، اهداف توسعه اقتصادی پایدار و عادلانه و ویژگی های توسعه چینی است که بر
 خودمختاری در امور بین الملل و ایجاد مدل توسعه خودشان تأکید دارد و این ویژگی برای
 کشورهای در حال توسعه جذاب است که بتوانند آن را الگوی توسعه خود قرار دهند (Lee,
 Wainwright & Glassman, 2017: 493).



شکل ۲. اهداف اقتصادی کمک چین

نتیجه گیری

در سال های اخیر اقتصاد چین روند رو به رشدی را شاهد بوده است و تصمیم سازان این کشور همواره در تلاش برای تداوم این رشد و تبدیل شدن به قدرت اقتصادی بوده اند. بر

همین مبنای آن‌ها از ابزارهای مختلفی برای دستیابی به این مهم بهره برده‌اند که می‌توان گفت مهم‌ترین آن ارائه کمک خارجی است. چین از اعطای کمک‌های خود در قالب دو و چندجانبه اهداف مختلف اقتصادی را دنبال می‌کند که مهم‌ترین این اهداف در سطح دو و چندجانبه، تداوم رشد اقتصادی است که آن را عامل مهمی برای در قدرت باقی ماندن حزب کمونیست می‌داند.

افزون بر این در جهت حفظ تداوم رشد اقتصادی، چین از ارائه کمک‌های خود به دنبال دستیابی به منابع خام و انرژی با توجه به تبدیل شدن این کشور به واردکننده انرژی و کاستن از تهدیدات و خطرات ناشی از نوسانات و کمبودهای انرژی در سال‌های آینده است. همچنین دستیابی به بازارهای مصرف در کشورهای در حال توسعه برای عرضه کالاهای چینی یکی دیگر از موارد تأثیرگذار بر اعطای کمک‌های چین است. در کنار این اهداف، چین با ارائه کمک‌های خارجی در پی بین‌المللی کردن پول خود در مبادلات خارجی است که این امر بیشتر در جریان مبادلات و کمک‌های دوجانبه مشهود است.

افزون بر اهداف اقتصادی از نظر کمک دو و چندجانبه، کمک‌های چین در عرصه نظم بین‌المللی هم اهدافی را پی می‌گیرد که مهم‌ترین این اهداف پیگیری زنجیره تأمین با محوریت رهبری اقتصاد چین است که این امر بیشتر از طریق ابتکار کمربند و راه برای چین فراهم شده که مسیرها و مقصد و مبدأ بسیاری از صادرات و واردات را به سمت چین جهت داده و قدرت رهبری اقتصاد آمریکا را در جهان از این طریق مورد سؤال قرار داده است. همچنین نهادسازی و ایجاد نهادهای موازی با ساختارهای موجود یکی دیگر از اهداف اقتصادی مبتنی بر نظم بین‌المللی چین است که نهادهای زیادی را در این عرصه ایجاد کرده که مهم‌ترین آن‌ها بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیایی، بریکس، صندوق جاده ابریشم و... هستند که به‌عنوان جایگزین و رقیبی برای نهادهای غربی عمل کرده‌اند. افزون بر این، چین با ایجاد اجماع پکن پس از ناکامی اجماع واشنگتن در ایجاد توسعه در کشورهای در حال توسعه، الگوی توسعه خود را ترویج نموده که بسیاری از کشورهای در حال توسعه از این الگو به‌عنوان نقطه امید برای تأسی و دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی نگریسته‌اند و چین از این راه توانسته در برابر هژمون غربی لیبرال‌دموکراسی

نقش کمک خارجی چین در خیزش... (سعید میرترابی، ارسلان قربانی شیخ‌نشین، علی منوری و امید خزایی) ۳۱۷

بایستد و مدل توسعه خود را در رقابت با آن در نظام بین‌الملل اقتصادی اشاعه دهد. بر همین مبنا، می‌توان نتیجه‌گیری کرد که اگرچه برنامه اهداف کمک خارجی چین، از نظر اشکال و الگوهای کمی و کیفی، تفاوت درخور توجهی با برنامه کمک خارجی کمک‌دهندگان سنتی غرب دارد، اما در نهایت، باید گفت پکن کمک خارجی پر دامنه خود را به عنوان ابزاری برای هموارسازی خیزش قدرت اقتصادی خود در عرصه بین‌المللی می‌داند و در این مسیر راه‌کارهای ویژه و ابتکاری خود را مد نظر قرار داده است.

منابع

- شریعتی‌نیا، محسن و توحیدی، زهرا (۱۳۹۲)، ایران و قدرت ساختاری غرب. روابط خارجی، ۵ (۳)، ۱۴۹-۱۲۵. doi: 20.1001.1.20085419.1392.5.3.7.4
- کوهن، تئوداریچ (۱۳۹۷)، اقتصاد سیاسی جهانی. ترجمه عادل پیغامی، ترانه ریسمانچیان و محمد ریسمانچیان. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- میرترابی، سعید (۱۳۹۹)، چالش چین در برابر ایالات متحده؛ رقابت بر سر جایگاه و الگوی ارائه کمک خارجی. روابط خارجی، ۱۲ (۲)، ۲۱۶-۱۸۸. doi: 20.1001.1.20085419.1399.12.2.1.5
- میرترابی، سعید و ساری اصلانی، مهتاب (۱۳۹۹)، تحولات اقتصاد سیاسی چین و افزایش سریع کمک‌های خارجی آن به آفریقا. پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۹ (۳۵)، ۲۸۱-۲۵۱. doi: 10.22054/qps.2019.41942.2310

References

- Bavier, J. & Strohecker, K. (2021), *An election, a mine deal and China loom over Zambia's IMF talks*. Reuters. <https://www.reuters.com/article/us-zambia-debt-imf/an-election-a-mine-deal-and-china-loom-over-zambias-imf-talks idUSKBN2ABOE3>.
- Brautigam, D. & Xiaoyang, T. (2012), Economic Statecraft in China's New Overseas Special Economic Zones: Soft Power, Business or Resource Security?. *International Affairs*, 88(4), 799-816. doi: 10.1111/j.1468-2346.2012.01102.x
- Copper, John F. (2016), *China's Foreign Aid and Investment Diplomacy, Nature, Scope, and Origins*. New York: Palgrave Macmillan.
- Cohn, T. H. (2017), *Global Political Economy*. Translate by Adel Peyghami, Taraneh Rismanchian & Mohammad Rismanchian. Tehran: Imam Sadegh University. (in Persian).
- Davies, M., Edinger, H., Tay, N. & Naidu S. (2008), *How China Delivers Development Assistance to Africa*. Stellenbosch, South Africa. Center for Chinese Studies: University of Stellenbosch.
- Du, H, Mitkova, L. & Wang N. (2020), The Paths of Internationalization of Chinese Innovative Firms. *Sustainability*, 12(6), 2575. doi:10.3390/su12062575
- Donaldson, D. (2018), Railroads of the Raj: Estimating the Impact of Transportation Infrastructure. *American Economic Review*, 108(4-5), 899-934. American Economic Review 2018, 108(4-5): 899-934. doi: 10.1257/aer.20101199
- Gao, H. & Yu, Y. (2011), Internationalization of the Renminbi. *Chinese Academy of Social Sciences (CASS)*, (61):105-124. <http://www.bis.org/publ/bppdf/bispap61i.pdf>

- Guillon, M., & Mathonnat, J. (2020), What Can We learn on Chinese Aid Allocation Motivations from Available Data? A Sectorial Analysis of Chinese Aid to African Countries. *China Economic Review*, 60, 101265. <https://hal.archives-ouvertes.fr/hal-01777484>
- Glosny, M. A. (2006), *Meeting the Development Challenge in the 21st Century: American and Chinese Perspectives on Foreign Aid*. The Committee.
- Ghosh, S. (2012), Foreign Banks in India: liabilities or Assets?. *Economic Papers: A Journal of Applied Economics and Policy*, 31 (2), 225-243. doi: 10.1111/j.1759-3441.2011.00143.x
- Hirono, M. (2018), *Exploring the links between Chinese Foreign Policy and Humanitarian Action Multiple Interests, Processes and Actors*. HPG Working Paper. London: Humanitarian Policy Group.
- Kim, S. (2021), *Chinas Allocation of Foreign Aid to Southeast Asia an Empirical, Comparative Analysis of Donors*. Diss. Johns Hopkins University.
- Kilby, P. (2018), China and United State as aid donors. *East-West Center, Policy Studies*, (77).
- Lang, B. (2019), China and Global Integrity -building: Challenges and Prospects for Engagement. *U4 Anti-Corruption Resource Centre*, (7).
- Li, H. (2015), The Chinese Model of Development and Its Implications. *World Journal of Social Science Research*, 2(2), 128-138. doi:10.22158/wjssr.v2n2p128
- Lin, J. & Wang, Y. (2014), China–Africa co-operation in structural transformation. *WIDER Working Paper*. (2014/046)
- Lengauer, S. (2011), China's Foreign Aid Policy: Motive and Method. *Culture Mandala: Bulletin of the Centre for East-West Cultural and Economic Studies*, 9 (2), 35-81. <http://epublications.bond.edu.au/cm/vol9/iss2/3>
- Lancaster, C. (2007), *The Chinese aid system*. Washington, DC: Center for Global Development.
- Liyun, L. (2005), Guoji Zhengzhixue Lilun shijiao xia de Duiwai Yuanzhu, Foreign Aid from the Perspective of Theories. *International Politics*, 10(2), 83-88. doi 91500000450418420H
- Lee, S-O, Wainwright, J. & Glassman J. (2017), Geopolitical Economy and the Production of Territory: The Case of US–China Geopolitical-economic Competition in Asia. *Environment and Planning A: Economy and Space*, 50 (2), 416-436. doi: 10.1177/0308518X17701727
- Ministry of Commerce of People's Republic of China. (2015), *Statistical Bulletin of China's Outward Foreign Direct Investment*.
- Mirtorabi, S. & Sari Aslani, M. (2020), China's Political Economy and the Rapid Increase of its Foreign Aid to Africa. *Political Strategic Studies*, 9(35), 251-281. doi: 10.22054/qps.2019.41942.2310 (in Persian).
- Mirtorabi, S. (2020), China's Challenge to US; Competition over the Status and Pattern of Foreign Aid. *Foreign Relations*, 12 (2), 187-216. doi: 20.1001.1.20085419.1399.12.2.1.5 (in Persian).
- Mulakala, A. & Ji, H. (2021), *Insights on China's 2021 White Paper on International Development Cooperation*. <https://devpolicy.org/insights-on-chinas-2021-white-paper-on-international-development-cooperation-20210125-2/>
- Nowak, W. (2015), China's Development Aid Strategies. *Chinese Business Review*, 14(4), 201-209. doi: 10.17265/1537-1506/2015.04.004.
- Niquet, V. (2006), China and Central Asia. *China perspectives 2006*, 67. doi: 10.4000/chinaperspectives.1045
- OECD. (2018), China's Belt and Road Initiative in the Global Trade, Investment and Finance Landscape. *OECD BUSINESS AND FINANCE OUTLOOK*. <https://www.oecd.org>
- NDRC. (2022), *China-Africa Trade Reaches all-Time High in 2021, Showing Resilience Amid Pandemic*. <https://en.ndrc.gov.cn>
- OECD-DAC (2022), *Distribution of net ODA*. <https://data.oecd.org/oda/distribution-of-net-oda.htm#indicator-chart>
- Öğütçü, M. & Ma, X. (2007), Geopolitics of Energy: China and the Central Asia. *Insight Turkey*, 9(4), 44-62. <https://www.jstor.org/stable/26328517>
- Petterson, J. & Johansson, L. (2013), Aid, aid for Trade and Bilateral Trade: An Empirical Study.

نقش کمک خارجی چین در خیزش ... (سعید میرترابی، ارسالن قربانی شیخ‌نشین، علی منوری و امید خزایی) ۳۱۹

- The Journal of International Trade and Economic Development*, 22 (6), 866-894. doi.org/10.1080/09638199.2011.613998
- Pankaj, A. K. (2005), Revisiting Foreign Aid Theories. *International Studies*, 42 (2), 104-121. doi: 10.1177/002088170404200201
- Radelet, S. (2005), Think Again: U.S. Foreign Aid. *Foreign policy*, March 1. <https://foreignpolicy.com/2005/03/01/think-again-u-s-foreign-aid/>
- Shariatinia, M. & Tohidi, Z. (2013), Iran and the Structural Power of the West. *Foreign Relations*, 5 (3), 125-149. doi.org 20.1001.1.20085419.1392.5.3.7.4 (in Persian).
- State Council. (2021), *Information Office of the People's Republic of China. "China's International Development Cooperation in the New Era. White Paper 2021.* <https://english.www.gov.cn>
- State Council. (2011), *China's Foreign Aid. White Paper 2011.* <http://english.www.gov.cn/archive>.
- Tylec, T. (2019), The Beijing Consensus— Chinese Development Model. *Prace Naukowe Uniwersytetu Ekonomicznego we Wrocławiu*, 63(8), 154-163. doi:10.15611/pn.2019.8.12
- United Nations-ESCAP. (2019), *China's Economic Transformation: Impacts on Asia and the Pacific.* <https://www.unescap.org>
- UNDP-China. (2021), *China's Overseas Development Finance Review of Flows and Definitions, and Potential Support for SDG Attainment in Partner Countries.* UNDP-China. <https://www.undp.org>
- Vadell, J., Ramos, L. & Neves P. (2014), The international implications of the Chinese model of development in the Global South: Asian Consensus as a network power. *Revista Brasileira de Política Internacional.* (57), 91-107. doi: 10.1590/0034-7329201400206
- World Integrated Trade Solution database. (2016), <https://wits.worldbank.org>
- Yagci, M. (2016), A Beijing Consensus in the Making: The Rise of Chinese Initiatives in the International Political Economy and Implications for Developing countries. *Perceptions: Journal of International Affairs*, 21 (2), 29-56. <https://www.researchgate.net>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی